

جنبش های جدید حامل چه پارادایمی هستند؟

تقی روزبه



به مناسبت سالگرد جنبش خشمگینان و تظاهرات صدهزار نفری آنها در مادرید و اعتراضاتی که برای ۸۰ شهر سازمان داده اند!*

جنبش ها مهمترین واقعیت های اجتماعی - طبقاتی بشمار می روند. نه فقط محصول انباشت نیازهای بی پاسخ مانده هستند بلکه درعین حال متضمن پاسخهایی برای برون رفت از وضعیت نیز هستند.

جنبش ها مهمترین واقعیت های اجتماعی - طبقاتی بشمار می روند. نه فقط محصول انباشت نیازهای بی پاسخ مانده هستند بلکه درعین حال متضمن پاسخهایی برای برون رفت از وضعیت نیز هستند. آنها از یکسو به مثابه نقد عملی و گزنده از بنیانهای نظام حاکم عمل می کنند و آن را بزیر سؤال می برند، و از سوی دیگر حامل پاسخ های بالقوه رهگشا و چه بسا بکروخلاق برای مهمترین سؤالات پیرامون جامعه بدیل و برداشتن گام های عملی درست و سوی آن می باشند.

بی تردید در این جنبش ها وجه نفی وضعیت موجود نسبت به وجه اثباتی (آنچه که باید جایگزین نظم حاکم بشود) پررنگ تر است، اما تمرکز بر دیالکتیک منفی نه نقطه ضعف که حاکی از نقطه قوت آنهاست. چرا که نگاه آنها به آینده و جهان دیگر، و عبور از کلیشه های دست و پاگیر بجا مانده از گذشته برگزینند. آنها آنچه را که باید بوجود بیاورند در حین حرکت و با بهره گیری از خلاقیت و خرد جمعی بدست می آورند و تئوری انقلابی هم قاعدتا باید بازتاب دهنده همین تحولات و خلاقیت ها باشد (مگر نه این است که کمون ها و شوراهای خود جنبش ها آفریدند و سپس تئوریسین ها آنها را دستمایه نظرات خود ساختند). از همین رو قبل از هر چیز باید به جنبش ها خیره شد و از آنها آموخت و از طریق مشارکت و نقد پراتیک مشترک و معطوف به تغییر جهان به مسیر پیشارو روشنایی افکند. هر تحول و تغییر واقعی چه در حوزه عینی و چه ذهنی، مستقیم یا غیر مستقیم، محصول برآمد و نقش آفرینی جنبش ها هستند. لاجرم، آنانی که بدنبال جهان دیگری هستند بیش از هر کسی و هر جریانی، ناگزیرند که این جنبش ها را نقطه عزیمت خود قرار دهند

و در مشارکت با آن به سهم خود بر خلاقیت و آگاهی آن بیافزایند. اگر به تاسی از ارشمیدس بدنبال تکیه گاهی باشیم که با آن بتوان کره زمین را جابجا کرد، این تکیه گاه همانا جنبش های اجتماعی هستند که در فرایند تکوین خود قاطع ترین و ژرف ترین تأثیرات را بر زندگی و شرایط حاکم بر جامعه بجای می نهند. حتی اگر آنها موفق هم نشوند باز هم تأثیراتشان را نمی توان نادیده گرفت

اما این جنبش ها از آسمان نازل نمی شوند بلکه نتیجه بن بست ها و انباشت تضادهای حل نشده یک دوره تاریخی، دست آوردهای مادی و معنوی بشر (از جمله آگاهی ها و تجارب مثبت و منفی بدست آمده) هستند و بطور مشخص جنبش های جدید محصول روند جهانی سازی مبتنی بر سلطه سرمایه، بحرانهای مداوم و ساختاری سرمایه داری از دهه ۶۰ باین سو (و از جمله واکنش به تعرض نئولیبرالیستی انباشت سرمایه)، دست آوردهای انقلاب سوم صنعتی انفورماتیک در عرصه های گوناگون اجتماعی و ارتباطی، و بالأخره تجربه شکست خورده سوسیالیسم دولتی بلوک شرق می باشند. بهمین دلیل در گوهردرونمایه خود دارای مشخصات و ویژگی های تازه و بکری هستند که منبع الهام بخشی برای گشودن افق های نوواشکال جدیدی از مبارزه می باشند. جنبش های نوین (و حامل پارادایم جدید) دارای پیشینه و قدمت چندین دهه هستند. این جنبش ها در فرایند رشد خود گرچه دارای فراز و فرودهایی در تناسب با نوسانات بحران سرمایه داری و توازن قوای طبقاتی بوده اند، اما در مجموع سیر صعودی داشته اند. در یک نگاه کلی می توان سیر صعودی آن را در سه نقطه عطف و سه موج بلند مشاهده کرد:

موج نخست را می توان در جنبش مه ۱۹۶۸ دید که در شرایط پایان رونق سرمایه داری پس از جنگ دوم و مقارن با آشکار شدن ماهیت سترون "سوسیالیسم دولتی" بلوک شرق و لشکرکشی شوروی به اقمار خود، دارای تأثیرات مهمی در فرانسه و سایر نقاط اروپا و جهان بود. موج دوم را می توان در سال ۱۹۹۹ با عروج جنبش سیاتل و اعتراضات گسترده علیه جهانی سازی سرمایه داری و جنگ افروزی قدرتهای بزرگ سرمایه داری و تقارن آن با فروپاشی بلوک شرق، و تعرض جدید سرمایه داری نئولیبرال (و نئوکانهها) دید. و بالأخره موج سوم و برآمد تازه ای که با خیرش ها و ابعاد گسترده تری همراه است با شروع فاز جدید بحران سرمایه داری در سال ۲۰۰۸ شروع شد. جنبش خشمگینان اسپانیا و وال استریت و تسری آنها به نقاط دیگری از جهان نمونه های برجسته ای از آن هستند.

این جنبش ها، از جمله جنبش خشمگینان اسپانیا از نظر سازمان یابی

درمقایسه با فروم های اجتماعی جهانی وقاره ای سال های اوائل قرن بیست ویکم گامی به جلونهاده و با اشغال میادین ونقاط حساس و برگزاری مجامع عمومی مستقیم، ونیز انتشارآن درمحللات ونقاط زیست وکاروآموزش و... وبهره گیری گسترده از شبکه های اجتماعی واینترنت توانست درابعاد جهانی تأثیرگذارباشد. هم چنانکه درمقایسه با یک دهه قبل این جنبش توانسته است به شعارها وتاکتیکهای خود شفافیت بیشتری به بخشد.

مهمترین مختصات پارادایم جدید را که این جنبش ها تاحدی حاملین آنها هستند می توان در مؤلفه های زیرشماره کرد:

۱- برپایه پیوند ناگسستنی آزادی و برابری اجتماعی ویا رهائی سیاسی واقتصادی استوار هستند. درواقع جدائی آنها ازیکدیگروقرار دادن آنها درتقابل با هم، چنانکه تجربه گواه آنست هر دو را مسخ و بی معنامی کند (چنانکه چه سرمایه داری هم اکنون موجود وچه آن نوعی که در بلوک شرق به نام سوسیالیسم تجربه گردید، هر کدام به نحو خود ویژه ای، بر تقابل وجدائی این دو عرصه استوار بوده اند).

۲- برقراری دموکراسی مستقیم ومشارکتی مردم، پایه ای ترین بستر حرکتی این جنبش هاست(به مثابه هم استراتژی وهم تاکتیک). در مرکز پارادایم جدید وانديشه دموکراسی مستقیم، باور به نقش آفرینی کارگران وزحمتکشان وهمه استثمارشوندگان وطرشدگان، ویا بعبارتی دیگر مردم سوژه گی قرار دارد که مبین سپری شدن مرحله تاریخی حزب سوژه گی، رهبر سوژه گی وسایر میانجی هائی است که مستمرا جایگزین نقش آفرینی خود طبقه بزرگ مزدو حقوق بگیر وطرشدگان از نظام گشته و آنها را به سیاهی لشکر فرمان بر تبدیل می کند. در این راستا وظیفه تمامی گروهها وعناصر آگاه تر جز بارور ساختن عمل و اندیشه خود حکومتی و کنشگری خلاق نیست. از جنبه مناسبات درونی، مردم سوژه گی مبتنی بر رابطه آزاد وهمبسته بین عناصر تشکیل دهنده خود است. طبقه دربرگیرنده بیشماران سوژه های دارای اشتراکات وتمایزات است که برپایه اشتراکات خود به کنش مشترک می پردازند، بی آنکه تمایزات آن ها مورد انکار قرار گیرد.

۳- دموکراسی مستقیم درعین حال بدون سازمان یابی افقی وبدون مقابله با سلطه و سلسله مراتب قابل تصور نیست. بهمین دلیل عصر سازمانهای سلسله مراتبی وآن ها که مشتاق انباشت قدرت وتمركز تصمیم گیری برفراز سر کارگران وزحمتکشان به مثابه ابژه ها ونه به مثابه سوژه هائی که قادر به خودرهانی هستند، ودر تجربه های

مکرر نشان داده اند که برای رهایی و آزادی (آزادی از سرمایه و دولت آن) ابزار نامناسبی هستند، بسرآمده است.

۴- یکی دیگر از مهمترین مشخصات این جنبش ها رویکرد جهانی آنهاست. آنها ضمن توجه به مسائل مشخص و خود ویژه و بسیج حول آنها، می دانند در شرایطی که سرمایه جهانی است و جهانی عمل می کند، ماهیت مطالبات نیز جهانی بوده و بدون بسیج و همبستگی طبقه جهانی امکان عقب راندن و پیروزی همه جانبه بر بورژوازی ناممکن است. لاجرم افق اقدامات خود را به چهارچوب دولت-ملتها محدود نمی کنند و تاکتیک و استراتژی آنها اساسا معطوف به پهنه جهانی و تأمین همبستگی جهانی است.

۵- پلورالیسم، تکثر، رنگین کمان بودن، درتناسب باجنسیت، با نوع کار و با بسیاری از خودیژگی های اقشار گوناگون طبقه بزرگ و متکثر زحمت و کار در مقیاس جهانی، از دیگر مشخصات مهم این جنبش های ضد سرمایه داری است.

۶- برای این جنبش ها هدف، تسخیر و تصرف ماشین هیولائی دولت و قدرت سیاسی (این ابزارهای بورژوائی سلطه) نیست. وجود دولت بر اساس تقسیم جامعه به نخبگان و یا حکومت کنندگان و حکومت شوندگان، و به مثابه ابزار سیطره و قهر طبقاتی بورژوازی بنا شده و نفس وجودش بیانگر مناسبات مبتنی بر استثمار و سلطه طبقاتی است. در برابر قدرت جدا شده از جامعه و مسلط بر فراز آن در جوامع طبقاتی، و با سپری شدن دوران میانجی های جایگزین طبقه و همه زحمتکشان، آلترناتیو جنبش های خود رهان، چیزی جز تأسیس مجامع عمومی و خود بنیاد و تأمین خود حکومتی آنها در سطوح گوناگون جامعه نیست که البته در هر گام واقعی مبارزه به اندازه ی که می توانند آن را برپا می دارند.

۷- از نظر شیوه مبارزاتی مبنای حرکت آنها بر اساس مبارزات ضد سیستمی و خارج از ساز و کارهای نظام حاکم، اشغال فضا- مکانهای تحت کنترل بورژوازی و فشار از بیرون به سیستم برای تحمیل مطالبات معین تا جایگزینی آلترناتیو خویش است. سخنگویان و رابطین و تسهیل کنندگان و... همه و همه در خدمت نقش آفرینی هر چه بیشتر آنها به مثابه کنشگران آزاد و فعال و خود سازمانده قرار دارند. نمایندگی به معنی تفویض حق تصمیم گیری، که حاصلی جز از خود بیگانگی و مسلط کردن نیروی غیر و متعلق به بورژوازی بر خود ندارد، امری است که جنبش های جدید تا آنجا که می توانند و تا آنجا که در توان آنهاست، در جهت امحاء آن می کوشند. بی تردید همه اینها بصورت یک فرایند است و ضربتی ناشدنی است، اما جهت

گیری عمومی در این سمت و سواست و وظیفه نیروها و گروهائی که باوردارند سوسیالیسم جزیدستان خود کارگران و زحمتکشان ساخته نمی شود، تقویت همین روند است.

۸- گسترش کمی و کیفی طبقه و صفوف استثمارشوندگان. در دوران جدید به مقتضای تحولاتی که در مناسبات تولیدی و جهانی سازی و ساختارهای نظام سرمایه داری صورت گرفته و می گیرد، و با توجه به سلطه تقریباً فراگیر و رسوخ یافته مناسبات سرمایه داری به تمامی نسوج و بافتهای جامعه بشری (نه فقط در کارخانه ها و کارگاه ها، بلکه به تعبیری تبدیل جامعه به کارگاههای بزرگ تحت کنترل و استثمار سرمایه) ، ما شاهد تغییرات عظیمی نه فقط در گستره کمی نیروی کار و در ترکیب پلورالیستی و متکثر آن، بلکه هم چنین در هم تنیده شدن بیش از پیش کار فکری و کار مادی (صنعتی) و افزایش نقش ارزش افزائی کارگران فکری، گسترش کمیت مازاد جمعیت و بیکاران دائمی که سرمایه داری قادر به جذبشان نیست (ولاجرم افزایش وزن جوانان بیکار و مبارزات برون سیستمی آنها) و نیز اهمیت بخشهای بازتولیدی و مغفول مانده در کل تولید و ارزش افزائی آن (از جمله کارخانگی و یا دانشگاهها و مدارس به مثابه محل پرورش نیروی کار متخصص ...) هستیم. باین ترتیب یک طبقه جهانی متکثر و رنگین کمان از کارگر صنعتی تا کارگر فکری و بیکاران و طرد شدگان ... اعم از دستمزدی و غیر دستمزدی و تحت استثمار مستقیم و غیر مستقیم، و لاجرم ضد سرمایه داری بوجود آمده است که به قطب بندی جامعه در معنای تقابل اکثریت بسیار عظیم در برابر اقلیت کوچک معنا بخشیده است.

۹- درک چند وجهی از مبارزات طبقاتی، جایگزین درک تک بعدی گذشته از آن شده است. چنانکه مبارزه ریشه ای برای حفظ محیط زیست، مبارزه برای صلح (علیه جنگ، تجارت اسلحه، میل تاريسم، تسلیحات هسته ای ...)، مبارزه ریشه ای برای برقراری برابری جنسیتی و یا مقابله با بحران مهاجرت و تبعیض های ملی و نژادی و ... جدا از مبارزه طبقاتی علیه سلطه سرمایه داری و علیه سودمحوری و تبدیل شدن آنها به کالا برای فروش و سود بیشتر، و علیه بیکارسازی و ... نبوده و همه آنها وجوهی از انکشاف مبارزه طبقاتی پیچیده و چندوجهی را تشکیل می دهند. نباید فراموش کنیم که با انتگره شدن سرمایه با جوامع بشری و همه حوزهها و جوانب گوناگون آن و تسلط مطلق فرماسیون سرمایه داری بر جهان و جوامع امروزی، رابطه تنگاتنگی بین منافع و سلطه سرمایه با انواع تبعیضات کهنه و جدید جوامع بشری بوجود آمده است که مبارزه علیه این تبعیضات اگر بخواهد از اصلاح جزئی در این یا آن مورد

فرا تریب رود، وریشه ای تر با معضل برخورد کند، بدون مبارزه با سلطه سرمایه و از جمله با وجوه درونی شده فرهنگ و ارزشهای بورژوائی در صفوف زحمتکشان و در یک کلام یک مبارزه طبقاتی چندوجهی و مرکب ناممکن است.

بی تردید ما در یک دوره انتقالی بصری بریم و پارادایم جدید و ویژگی های آن نیز در حال شدن و تعمیق بوده و با اندازه ای مشهود و قابل استناد و مسجل هستند که خود جنبش ها آن را بیافرینند و به روی صحنه مبارزه طبقاتی بیاورند. از همین روتدقیق و شفاف شدن کامل آنها تنها می تواند در طی یک فرایند، در متن پراتیک تغییر جهان و آزمون و خطای آن، نقد و گفتگو، و جمع بندی توسط کنشگران و البته بهره گرفتن از نظرات و تئوری های اندیشمندان و صاحب نظران اجتماعی صورت گیرد.

۲۶-۰۲-۱۳۹۱ ۲۰۱۲-۰۵-۱۵

<http://www.taghi-roozbeh.blogspot.de/۲۰۱۲/۰۵/۸۰.html#more>

*- جنبش اعتراضی موسوم به «ایندیگنادوز» یا «خشمگینان» در اسپانیا به مناسبت سالگرد این جنبش در مادرید و ۸۰ شهر اسپانیا سازماندهی شده است که قرار است علیرغم فشارهای پلیس تا چهارشنبه ادامه پیدا کند. در اولین گردهمائی اعتراضی این جنبش در مادرید حدود صد هزار نفر در میدان خورشید جمع شدند..

گزارش تلویزیون اورونیوز از جنبش اسپانیا به مناسبت برگزاری اولین سالگرد آن، گوشه ای از ابعاد و اهمیت این جنبش و قدرت بسیج آن و هم چنین برخی مشخصات این جنبش را به تصویر می کشد. متن گزارش چنین است:

جنبش برآشفتگان، بزرگترین جنبش اجتماعی از زمان سقوط دیکتاتوری فرانکو است که در ۱۵ مه سال ۲۰۱۱ در اسپانیا شکل گرفت. دعوتی که از طریق شبکه های اجتماعی، معترضان خشمگین را در ۵۸ شهر این کشور به اعتراض علیه واکنش های طبقه بالای سیاسی به بحران اقتصادی فراخواند.

شعار اصلی معترضان «دموکراسی واقعی فوری» بود که تظاهر کنندگان را طی روزهای انتخابات شهرداری ها و انتخابات منطقه ای در خیابانها

نگاه داشت. معترضان خشمگین در سایه بسیج مردمی برای «خودداری از رای دادن» و مبارزه با قانون، استفاده قاعده مند از اینترنت چنان قدرتمند ظاهر شدند که دولت اسپانیا را در بهت و حیرت فرو بردند.

هزاران نفر در مادرید در میدان "پورتا دل سول" گرد هم آمدند. شهرهای دیگر اسپانیا نیز از قافله عقب نبودند. گام‌های کوبنده تظاهر کنندگان به خوبی از حضور چشم گیر آنها در این حرکت اعتراضی حکایت داشت.

جنبش گرچه مبتنی بر پرهیز از خشونت، نبود سلسه مراتب و استقلال از احزاب سیاسی یا اتحادیه‌های کارگری بود، اما معترضان را به نافرمانی مدنی فراخوانده بود و این خود بهانه‌ای را برای حمله به یک ساختمان دولتی در بارسلون بوجود آورد.

معترضان برآشفته روز ۱۲ ژوئن سال گذشته میدان پورتا دل سل را ترک کردند. اما مطالبات خود را بصورتی منسجم طرح کردند. جنبش با سازماندهی و ایجاد شعبه‌های محلی به راه خود ادامه داد و مرزهای اسپانیا را پشت سر گذاشت؛ فرانسه، ایالات متحده آمریکا و آلمان و سرانجام با فراخوان روز ۱۹ ژوئن برای بسیج بین المللی معترضان. در حال حاضر این جنبش در ۷۰ کشور و به پشتوانه حامیان و سازمان‌های مرتبط با آن همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

اما چه کسانی در پشت مبارزات این جنبش هستند؟

جوانان بیکار و فاقد تحصیلات که نیمی از آنها کاری پیدا نکرده‌اند. با بحران جدی مسکن و پس از ترکیدن حباب رونق ساخت و ساز در سال ۲۰۰۸، معترضان خشمگین دلیلی برای دفاع از حق خود پیدا کردند. و همینطور آنهایی که توان پرداخت اقساط وام‌های مسکن خود را ندارند ولی ملزم به پرداخت آن هستند.

برآشفتگان برای این گروه‌های محروم مبارزه می‌کنند و طی یک سال، موفق شدند تا از انفجارهای متعددی جلوگیری کنند. تنها در مادرید ۷۰ مورد از آن گزارش شده است.

گرچه جنبش برآشفتگان در برخی لایه‌های سیاسی و اقتصادی از اعتبار چندانی برخوردار نیست، اما بی تردید مبارزاتش به منزله بزرگ‌ترین افتخارش به شمار می‌آید.

لینک گزارش:

<http://persian.euronews.com/۲۰۱۲/۰۵/۱۲/indignant-movement-year>
-two